

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

«جستاری در تاریخچه ادبیات مقاومت»

دکتر حسین گلی

استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک، ایران

Email: h-goli@araku.ac.ir

چکیده

ادبیات مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و جور، یک سرشستی است فطری و ذاتی که از روح خداوندی در کالبد مخلوقات دمیده شده است که انسان آن را به بهترین صورت ممکن نمایان می سازد. از جمله زمینه هایی که انسانها توانسته اند مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و جور زمانه و ظالمین را برای مخاطبین به تصویر بکشند ادبیات بطور عام و شعر بگونه خاص است که شاعران توانسته اند هنرمندانه احساسات و عواطف صادقانه وجدانی خود را با هنر شعر به تصویر بکشند. شعر مقاومت از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان واقع شده است که رساترین شیوه برای مقابله با ظلم و جور زمانه است. و از آنجا که شعر و ادبیات آینه تمام نمای ماجراهای زمانه شاعر است ناگزیر نمود مفاهیم مقاومت در اثار و تراوشات شاعرانه امری طبیعی و قابل توقع می نماید. این نوشتار به بررسی و نقد ادبیات مقاومت و تاریخچه آن در دنیا، جهان اسلام و شعر فلسطین میپردازد و با ذکر شخصیت ها و افکارشان به گونه ای دقیق تر آن را مورد کنکاش قرار می دهد .

واژه های کلیدی: ادبیات مقاومت، پایداری و ستیزه جویی، شعر مقاومت فلسطین

International conference on Innovation and Research in Arts and Humanities

An inquiry in the history of Resistance Literature

Dr.Hossein goli

Assistant Professor, of department of Literature and Humanities

Sciences Arak

University. Iran Email: h-goli@araku.ac.ir

Abstract

Literature on resistance and standing against oppression is a natural and innate thing that the great Lord has inspired in the body and soul of all human beings and it is best manifested in the human guise. Among contexts in which humans could depict resistance and standing against oppression is literature in general and poetry in particular in which poets could have aptly depict their innocent and fine sensations and emotions with the art of poetry.

The poetry of resistance have been for long a focus point for poets and writers and this has been proved the most effective way to stand to oppression of the time. And since poetry and literature mirror stories of life, poets are ought to put concepts of resistance in works and writings of his or her wit. This paper tries to study and criticize literature on resistance in the history of the world, Islam and Palestine and mentioning figures and their thoughts, scrutinize it.

Keywords: Literature on Resistance; Standing and Militancy; Poetry on Resistance in Palestine.

مقدمه:

ادبیات مقاومت جهان اسلام، در جریان ضد استعماری مردم مغرب عربی به ویژه الجزایر رایج شد. این اصطلاح بعد از ژوئن 1967، یعنی پس از حضور سیاسی، نظامی و فرهنگی جنبش مقاومت بیشتر رایج شد و بر سر زبانها افتاد، و بعدها این اصطلاح معانی وسیع تر و عمیق تری به نام ادبیات انقلاب یافت که ناقلان و سردمداران انقلاب فلسطین آن را بر آثار ادبی ادبای فلسطین و عرب اطلاق کردند.

« مقاومت » مصدر باب مفاعله از ریشه (قوم) به معنی رو در رویی قدرت با قدرت، پایداری در برابر دشمن، ایثارگری در برابر اراده شخص و تسلیم نشدن در برابر مقاصد او و مقاومت با چیزهایی است که با عدالت ناسازگار و نا همگون باشد. (نعیمه، 2001، ذیل ماده «ق و م») علاوه بر معانی گفته شده در معنی راندن، سرکشی، آشوب و انقلاب هم به کار می رود. اما ادبیات مقاومت، حاصل فکر و اندیشه‌ای است که رسالت آن راندن، شورش و آشوب در زمان اشغال است. زیرا این ادبیات وظیفه هدایت گروه هایی از مردم را بر عهده دارد که در راه حفظ کیان و میهن از گزند دشمن تلاش می کنند. (صدری، 1369، ذیل کلمه مقاومت)

ادبیات مقاومت ادبیاتی است که آزموده های جهاد و مبارزاتی یک نسل مقاوم و مبارز برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنتهایشان از چنگال تجاوزگران، یغماگران و یورش بران به حریم ارزش های ملی و انسانی را برای نسل های آینده در بیان فخر شعری وادبی، تصویر و ترسیم می کند.

ادبیات مقاومت گاه بانگ بلندی است که پیوسته رساتر می شود و همیشه سلاح را برای مبارزه به کار می برد و به کمک می طلبد. گاه رنگ نجوا می گیرد تا دردهای دردمندان مقاومت ملی را مرهم نهند، اما هرگز اجاقش سرد نمی شود.

این ادب پیوسته با مردم است، با مردم می جوشد و می خروشد و با حالات و مناسبات آنان در رویارویی با دشمنان همسو و همساز، و با جزر و مدهای زندگیشان همراهی دارد. (آینه وند، 1372 : 141 و 142)

سرشت انسان بدی بر نمی تابد و ناسازگاری خویش را با روشهایی چون پرخاش، ستیزه جویی، رویارویی و مقابله نشان می دهد. و این ادبیات مقاومت با دمیده شدن روح عناد با مظاهر زشتی در کالبد کلمات جان می گیرد. و به عبارتی ادب مقاومت تجلی ستیز با بدی و بیداد با سلاح کلمه است.

و انسان از دیرباز این سلاح برآن در میادین نبرد، پیروزی های درخشانی را رقم زده است. طنز، هجو، حسبیه، نمایشنامه ها، داستان ها، سرودهای روشنفکرانه و معترضان، همه و همه در این حوزه قرار می گیرند. برخی زمینه های ادب مقاومت را در عوامل زیر باید جستجو کرد:

- 1- اختناق، استبداد داخلی و سلب آزادی های فردی و اجتماعی
- 2- استعمار و استثمار قدیم و جدید

- 3- غصب قدرت، سرزمین و سرمایه های ملی و فردی
- 4- تجاوز به حریم ارزشهای فردی، دینی، اجتماعی، تاریخی و ملی
- 5- قانون گریزی وقانون ستیزی پایگاههای قدرت
- 6- جریانهای دینی و غیردینی و مکتبهای فکری چون مارکسیسم، لیبرالیسم و... (خضر، 1968 : 45).

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

وجود این عوامل شامه‌های قوی اجتماعی، ادبی و هنری را دامن می‌زد تا برای ستیز با بیدادگری‌ها قد برافراشته و مردم را علیه آنان بشورانند، اما در این میان نقش نویسندگان و شاعران در شکل‌گیری و رواج مقاومت که رساترین شیوه مبارزه با بیدادگری است، خود را نمایان می‌سازد.

بدون شک تحقیق این دو ویژگی - رسایی و تاثیر گذاری اثر - جز با بهره‌گیری از همه ابعاد ادبی میسر نخواهد شد و نویسندگان و شاعران با آگاهی از این مساله و با بهره‌گیری از تصور عمیق خویش، زبان و واژگان خود را انتخاب کرده، و اندیشه برتر خویش را به تصویر می‌کشند و این همان راز و رمز رسایی، تاثیرگذاری و سرانجام جاودانگی این آثار است. در این نوشتار ابتدا به بررسی ادبیات مقاومت در دنیا و سپس به بررسی آن در فرهنگ بومی و ادبیات جهان سوم و در ادامه به نقد و بررسی آن در ادبیات کهن عربی و میراث اسلامی می‌پردازیم و در پایان آن را به ادبیات مقاومت فلسطین و ذکر ویژگی‌های آن منحصر می‌کنیم.

پیشینه تحقیق:

- در خصوص پژوهشهای انجام شده در موضوع تحقیق میتوان به کتب و مقالات زیر اشاره نمود:
- مقاله بهره‌گیری از شیوه‌های نوین ادبی در شعر پایداری ملت فلسطین از دکتر علی دادمان
 - مقاله جلوه‌های مقاومت در شعر مظفر النواب توسط حسن دادخواه و ناصر تابع جباری
 - مقاله تحلیل تطبیقی درون مایه‌های مقاومت در اشعار سمیح القاسم و قیصر امین پور از مرتضی زارع و کبری روشنفکر
 - مقاله بن مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش از محمد رضا نجاریان
 - کتاب بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین از محبوبه محمدی روزبهانی
- کتب و مقالات یاد شده و مقالات دیگر در موضوع ادبیات مقاومت به صورت موردی به بررسی بن مایه‌های مقاومت نزد شاعران معاصر پرداخته‌اند و از ذکر تاریخچه و نشأت این هنر معاصر در ادبیات غفلت ورزیده لذا جستار حاضر بیشتر به تاریخچه و چگونگی پیشینه این نوع اشعار در ادبیات عربی توجه خاص می‌نماید.

الف) ادبیات مقاومت در دنیا :

تلاش ملت‌ها برای آزادی، استقلال و رهایی از سلطه به ویژه در نقاطی از جهان که در آنجا اروپا و آمریکا در پی کنترل اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند به شیوه‌های مختلف در آثار ادبی عرضه شده است. مساله‌ای که باید به آن توجه داشت این است که بسیاری از آثار ضد استعماری ادبیات مقاومت، به زبان‌های مختلفی تجلی پیدا کرده است آنرا می‌توان در نوشته‌های روی دیوار، و حتی نوشته‌هایی با خون نویسندگان مشاهده کرد.

سابقه مباحث نظری جدی در خصوص ادبیات مقاومت به جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. و پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و به ویژه فرانسه، متفکران و هنرمندان تحت تاثیر جنگ و نهضت مقاومت، به این نتیجه رسیدند که باید در تحولات جامعه شرکت فعال داشته باشند. (چهره قانی، 1381: 11)

حوادث و پیشامدهای ناگوار چون جنگ، قتل و غارت از جمله عوامل شکوفایی ادبیات مقاومت است، چرا که حوادث با شعر رابطه دیالکتیک و پیچیده دارد. حوادث ناگوار بر روح و جان هر انسانی تاثیر می‌گذارند و بر شاعر و ادیب به نوعی ویژه، چرا که ما تاثیرات عاطفی و روانی حادثه بر شاعر را در شعر وی به خوبی احساس می‌کنیم. باید گفت برخی از حوادث چون قتل عام هموطنان، آوارگی، فقر و مشکلات زندگی حتی از زبان هم فراتر می‌روند و زبان را یارای همراهی آن نیست. شاعر مقاومت نمی‌تواند همیشه با حوادث به وسیله زبان رقابت کند. بدین معنا که شاعر مقاومت نمی‌تواند انفعال، عاطفه و همدردی خود را

همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

از یک حادثه به تاخیر اندازد تا زمینه‌های زبانی شعر چون بلاغت، خیال و صور شعری برای وی فراهم آید، بلکه تلاش می‌کند در حد امکان میزان انفعال از حادثه را به زبان شعری نزدیک کند. (جیزل، 2001: 12)

از جمله حوادثی که در قرن بیستم باعث تطور شعر مقاومت شدند در یک نگاه اجمالی عبارت بودند از: تهاجم نظامی آلمان به کشورهای همسایه، تهاجم نظامی انگلیس و فرانسه به آلمان، جنبش آزادیخواهی فلسطین، جنبشهای استقلال طلبانه کشورهای آفریقایی و آمریکای مرکزی، جدال آمریکا و ویتنام، جنگ‌های داخلی اسپانیا، سلطه حکومت‌های دست‌نشانده آلمان بر بخش وسیعی از فرانسه و مبارزات استقلال طلبانه فرانسوی‌ها، و ... که از زمره وقایع مهمی هستند که حوزه ادبیات پایداری ملت‌ها را لبریز از آثاری ماندگار جاودان نموده‌اند. (کاکایی، 1380: 13 و 14)

ریشه ادبیات پایداری را باید در دو جنگ جهانی که به انگیزه‌ها و تفکرات استعماری و کشورگشایی، نژادپرستی، قومیتها جانبداری کشورهای مختلف از آنها، ظهور دیکتاتوری و فاشیسم آلمان، ایتالیا و ... پا گرفت، جستجو کرد. اما مسئله قابل توجه در اینجا کشتارها، بیخانمانی‌ها، بیماری‌ها، قحطی‌ها و توقف قافله علم و تمدن است که شاعران هم عصر خویش را دلسوخته کرده و زبان آتشین آنان را شعله‌ور ساخته است، از این رو فاجعه بین‌المللی آغازی بر پایه گذاری ادبیات مقاومت بوده است. (الاشتر، 1960: 150)

در نیمه دوم قرن بیستم جهان شاهد حوادث تلخی بود، حوادثی که در ترسیم ادب پایداری ملت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرد. استیلای تفکر مارکسیستی و بر اغلب جنبشهای آزادی بخش و از طرفی رواج اندیشه‌های قومیت‌گرایی و ناسیونالیستی در کشورهای تازه استقلال یافته مفاهیم ادب پایداری را در حوزه‌های وطن پرستی، تفاخر به پیشینه تمدن و فرهنگ، قهرمان پروری، تمنای آزادی‌های اجتماعی و ستایش جوهره انسانیت محدود کرده بود. بر این اساس احساسات بشری واکنشی جز بروز هیجانات سطحی چون نفرت و انتقام نداشت. در قلمرو ادیان الهی نیز که بنیاد جوامع دینی بر آن استوار است تنها اسلام است که دارای تعلیمات خاصی در زمینه جهاد و دفاع از وطن می‌باشد، و حتی الهیات سیاسی و رهایی بخش کشورهای عرب نیز متأثر از تعالیم مارکسیستی و ناسیونالیستی هستند. و در دوران سالهای پس از جنگ جهانی دوم بود که پرستش وطن و سرزمین به تاثیر از ادب پایداری روسیه در کشورهای خاورمیانه، آمریکای جنوبی، و حتی آسیای دور رواج یافت. (گاستون، 1374: 90)

در اشاره به تعدادی از شاعران مقاومت قرن 20، و ویژگی‌های بارز آنان می‌توان شخصیت‌های زیر را مثال زد:
"آراگون" (1897-1982) aragon شاعر پایداری فرانسه که التیام روح زخم خورده کشورش را در طرح مفاهیم مجرد، عاطفی و انتزاعی چون جوهره انسانیت، تاریخ و تمدن می‌دید.

"لورکا" lorca (1899-1936) شاعر اسپانیایی که دارای آثاری در ادبیات مقاومت است. که در جستجوی آزادی و عدالت اجتماعی بود؛ زیرا سلطه فاشیسم روح دموکراسی را افسرده کرده بود

"سیمونوف" simonov (1873-1960) روزنامه نگار و شاعر روسی که نقش اصلی در هدایت فکری انقلاب فکری روسیه داشت) که رهایی انسان روسی و سرزمین روسیه را فریاد می زد.

"پابلو نرودا" neruda شاعر شیلیایی که دارای گرایش اجتماعی- انقلابی بود. که فقط عشق به وطن را شیوه خود قرار داد.

"جیانگ نام" jiang nam (1912-1980) شاعر ویتنامی که اشعار پر فروشی درباره تجاوز آمریکا سروده است. که حس میهن پرستی را در میان هموطنان خویش بیدار ساخت. (عبدالجبار کاکایی، 1380: 56)

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

ب) ادبیات مقاومت، فرهنگ بومی و ادبیات جهان سوم :

سوال اینست که اصولاً ادب مقاومت چه پیوندی با فرهنگ و زبان بومی دارد که در پاسخ باید گفت که سلطه گر محکوم به شکست می گردد. البته منظور از بازگشت به فرهنگ بومی متوقف شدن نیست، بلکه بازگشت به آن به عنوان ابزاری برای ساختن آینده است. در زمینه توجه ادبیات مقاومت به فرهنگ و زبان بومی توجه به این نکته ضروری است که مساله یکسان- سازی فرهنگی همواره بعنوان هدفی کلیدی از سوی امپریالیسم فرهنگی مطرح بوده که تلاش خود را برای تحمیل فرهنگ خود و به حاشیه راندن بلکه نابود کردن فرهنگ بومی بکار گرفته اند.

سلطه گران و استعمارگران، با ترویج زبان خود به ملت تحت سلطه چنین القا می کنند که زبان آن ها، تنها پاسخ نیازهای انسان مدرن است، و از همین روست که ملت های آگاه و بیدار، بعد از استقلال تلاش برای احیای زبان خود را آغاز می کنند. در این جا بازگشت به زبان بومی مقابله با افکار وارداتی است، تا افکار صد در صد تولید داخل باشند. در زمینه رابطه ادبیات مقاومت و ادبیات جهان سوم گفتنی است که میان این دو ادبیات رابطه تنگاتنگی وجود دارد. ادبیات جهان و ادبیات مردم دارای تاریخ باید جایی را نیز برای ادبیات مقاومت و تجربه های گرانبهای مردمان آن باز کند. تاریخ دیگر داستان انسانهای غربی و سفید نیست و جهان دیگری به نام جهان سوم مطرح شده است. دنیای اخیر شاهد پیروزی و موفقیت بسیاری از نهضت های آزادی بخش بوده است و اکنون بسیاری از ملل تحت استعمار، خود را از سلطه دیگران آزاد ساخته اند، و البته روشن و آشکار است که در راه دستیابی به استقلال با مشکلات زیادی مواجه بوده اند. (همان : 79)

قبل از این که به نقد و بررسی تعاریف ارائه شده از ادبیات مقاومت بپردازیم لازم است تاملی از انواع نویسندگان ادب مقاومت داشته باشیم. برخی از آثاری که به عنوان ادبیات مقاومت نوشته شده اند یا اثر رزمندگانی است که بعد از پایان جنگ، درد و رنج خویش و هم نوعانشان را در قالب شعر و داستان و ... به رشته تحریر در آورده اند، و یا حاصل کار نویسندگانی است که مدتی را در جبهه گذرانده اند. و یا این که از کسانی هستند که هرگز در صحنه نبرد نبوده اند اما اطلاعات و جزئیاتی را از افراد حاضر در جبهه ها دریافت کرده اند. (هاشم رشید، 1965: 21)

برای ادبیات مقاومت تعاریف گوناگونی ذکر شده است که ما در این جا به دقیق ترین و کامل ترین آن ها اشاره می کنیم. دکتر عالی شکری درباره ادبیات مقاومت می نویسد: « ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری گفته می شود که از زشتی ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی، در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه و برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می پردازد. » (شکری، 1979: 10-11)

یکی دیگر از صاحب نظران عرصه ادبیات عرب از تعریف ادبیات مقاومت چنین می گوید: « ادبیات مقاومت مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می گیرد و این در حالی است که تاثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است، اما تاثیر سخن ادبیات مقاومت پیوسته ادامه دارد.» (فُصی، 1990: 12)

خانم "باربارا هارلو" استاد دانشگاه تگزاس آمریکا در کتاب خویش با نام ادبیات مقاومت (Resistance literature) می نویسد: « شعر مقاومت واکنش همگانی را در برابر سلطه ظلم بسیج می کند، شعر مقاومت شعری پویا بوده که می تواند به کانالی برای بیان حرفهای ستمدیدگان به ستمگران تبدیل شود. شعر مقاومت برخلاف قواعد مرسوم ادبی غرب است و از حصار تنگ شخصی بیرون می آید و جلوه پیامی جهانی می یابد.»

عبدالرحمن الکیالی در خصوص ادبیات مقاومت فلسطین می نویسد: « این نوع از ادبیات اولین نوع از شعر مبارزه ای عرب است که در میدان مبارزه مستمر علیه متجاوزان نقش فرماندهی را ایجاد کرده است. این شعر میل واقعی مردم به مقاومت و تصمیم قاطع آنان را مبنی بر حفظ هویت فرهنگی و تمدن را در سرزمین قانونی نشان می دهد.» (الکیالی، 1975: 358)

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

عبدالجبار کاکایی از پژوهشگران و نویسندگان عرص ادبیات مقاومت در تعریف آن می نویسد: « ادبیات مقاومت در معنای جنگ با بیگانه، بازتاب روحی - روانینسلی است ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی، و نشان از مشارکت و مباشرت آن نسل در برابر آن رویداد دارد.» (کاکایی، 1380: 9)

البته نباید تصور کرد که ادبیات مقاومت چون پیوسته همراه جنگ و خونریزی است، پس یک ابیات پرخاشگر و بدون کم ترین امعاف و نرم خوبی است، بلکه باید میان ادبیات مقاومت و ادبیات پرخاش تفاوت قائل شد؛ چرا که ادبیات پرخاش مبتنی بر خصوصیات غریزی همچون عصبانیت و ناراحتی است، اما ادبیات مقاومت برخاسته از شناخت، علم و آگاهی نویسنده است. پس ممکن است هنر یا ادب با شخصیت زیستی نیز به آفرینش ادبیات و هنر دست یازد ولی آن اثر مصداق ادبیات پرخاش یا ادبیات و هنر قلدری خواهد بود که حیوانات نیز با رفتارهای خاصی خشم و زورگویی خودشان را آشکار می سازند.

ج) ادبیات مقاومت در ادبیات کهن عربی و میراث اسلامی

ریشه های مقاومت در دوره جاهلی به صورت واضح به چشم می خورد که از جمله مضامین شعر مقاومت در آن دوران می توان به مقابله در برابر شرایط سخت طبیعی، جنگ با امپراطوری فارس و روم، و رویارویی با مرفهین بی دردی که از احوال نیازمندان خبر نداشته اشاره داشت. (سعد، الاسبوع الادبی، العدد، 2004: شماره 901)

اما نخستین سروده های پایداری در تاریخ اسلام، قصائد امام علی(ع) در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر(ص) و مسلمانان شکنجه دیده می باشد، و نخستین سروده ای که در تاریخ اسلام در صحنه نبرد به ثبت رسیده است نیز مربوط به سید الشهدای جنگ بدر حضرت حمزه (ع) است، و در درگیریهای میان مسلمانان و مشرکان شاعرانی همچون؛ حسان بن ثابت انصاری (وی شاعری مخضرم است که در زمان جاهلیت غسانی ها را مدح کرد و پس از اسلام به شاعر پیامبر(ص) ملقب شد، و قریش را هجو کرد و دیوانی دارد.) حامی موحدان و هجوگوی مشرکان بودند. (ایزدپناه، شماره 28-138: 300)

اگر بخواهیم ریشه ادبیات مقاومت را در فرهنگ اصیل اسلامی دنبال کنیم باید اعتراف کنیم که نخستین متن ادبیات پایداری به مفهوم اسلامی آن قرآن و پس از آن نهج البلاغه امام علی (ع) است که مهمترین منبع اصول و مبانی عرفان حماسی هستند، تا جایی که قرآن عظیم در ستایش پیکارگران راه حق می فرماید: ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنِينَ مَرْضُوصًا ﴾ [صف/4] و در جای دیگر به آدرخش سم اسبان مجاهدان و بر غبار کارزارشان سوگند یاد می کند و می فرماید: ﴿ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأَأْتِرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴾ [العدایات/1 تا 4] (ر.ک، ایزدپناه، شماره 28-138: 302 و 303)

د) ادبیات مقاومت در ادبیات معاصر عربی:

در جهان عرب عمده ادبیات مقاومت معطوف به انقلابات لیبی و الجزایر به هدف آزادی از استعمار ایتالیا و فرانسه و در مصر مرتبط به مقاومت مردم در انقلاب عربی پاشا علیه ترکان عثمانی و حرکت جمال عبد الناصر در نبرد با اسرائیل و در عراق مربوط است به انقلاب 1920 به رهبری علمای شیعه در مواجهه با استعمار انگلیس و در فلسطین که مهم ترین بخش آن است، مربوط به مقاومت فلسطین و کشورهای عربی تحت سلطه عثمانی برای رهایی از سلطه عثمانی و کسب استقلال ارتباط دارد. و شاعران عربی عموماً شعر مقاومت را علاوه بر مقابله با اسرائیل در مقابله با حکام خودکامه و رژیمهای وابسته کشورهای عربی به کار می گیرند، اقداماتی که عموماً منجر به تبعید یا نفی بلد آنها از کشورهای خود می شد.

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

و) مراحل شعر مقاومت عربی معاصر:

مرحله اول - پیشگامان ادبیات مقاومت فلسطین: بعد از عهد نامه بالفور (1917) ادبیات مقاومت در شعر محمد اسعاف النشاشیبی نمودار گشت او در قصیده معروف خود چنین سروده است:
یا فتاه جودی بالدماء بدل الدمع ان رمت البكاء
ان الاستعمار قد جاز المدی دون ان بعدوه عن سیر عداء
إنها اوطانکم فاستیقظوا الله لا تبعوها لقوم دخلاء (احمد ، 2003: 77)
هرچند بیشتر اهتمام ادبیات دوره اول مقاومت فلسطین در شعر نمود پیدا کرده اما باید خاطر نشان کرد که در لمحات نثری افرادی چون: توفیق فیاض، محمود شقیر و سمیره عزّام به تصویر کشیده شده است.

مرحله دوم - شکست: پس از شکست انقلابات فلسطین بعد از 1921 روحیه یاس و ناامیدی بر اکثر شاعران عربی چیره گشت و عواطف ناامیدی و شکوه و بیزاری بر شعر شاعرانی چون حسن البحیری و هاشم الرشید به اوج خود رسید.

مرحله سوم - حوادث فاجعه بار بعد از شکست و هزیمت: در این دوره که شاعرانی چون محمود درویش و سمیح القاسم و خالده سعید و فتحی قاسم به ادبیات مقاومت زندگی دوباره بخشیده و روح تازه در کالبد آن دمیدند.

ه) نماد پردازی در شعر مقاومت عربی:

نمادها، رمزها و اساطیر از برجستگیهای ممتاز شعر معاصر عربی خصوصاً مقاومت می باشد که بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی، گاهی صورتهای بیانی آن در قالبهای کنائی و استعاری جلوه می نماید و زمانی متناسب با شرایط دیگر در اشکال بیانی ساده و روانتری جلوه می کند.

بکارگیری اساطیر قدیم عربی در سروده های شاعران فراوان به چشم می خورد به گونه ای که نام جوانمردان اسطوره ای و تاریخی عربی و ایرانی و یونانی خصوصاً آنهایی که ویژگی مبارزه جویی و تسلیم ناپذیری دارند می درخشد.

عمده نمادهای شعر معاصر عربی به ویژه شعر مقاومت؛ سند باد، ادونیس، حلاج، صلاح الدین، امریء القیس، عنتره، کلیب، مهلهل و میباشند که در شعر شاعران نامداری چون امل دنقل و فدوی طوقان و محمود درویش و دیگران نمودار گشته اند.

در جهان معاصر عربی حرکت رمز پردازی در شعر شاعرانی چون نازک الملائکه البیاتی و بدر شاکر السیاب صلاح عبد الصبور و ادونیس به اوج شکوفایی خود رسیده است (رجائی 1387: 224)

و نمادهایی چون ادونیس و مسیح سمبل اوضاع مناسب و بهبودی شرایط و اودیپ و اسیزیفوس سمبل رنج و عذاب هستند. بنابر این کاربرد اساطیر تاریخی، مذهبی و اجتماعی ایرانی و یونانی و عربی کهن از خصائص منحصر بفرد شعر مقاومت عربی معاصر است. که به منظور در امان ماندن از جور حاکمان و دور ماندن از گزند دشمنان و رقبا به آنها پناه جسته اند. این نمادها و اساطیر با توجه به کاربرد آنها در شعر و هدف شاعر از گریز زدن به آن مثبت و سازنده یا منفی و مخرب جلوه می نمایند و به اماکن خاصی تعلق دارند مثلاً ایشتر و تموز بابلی و اوزیس مصری و فنیق و ادونیس فنیقیایی و اودیپ و اورفئوس یونانی می باشند.

امل دنقل متوفای 1983، شاعر فلسطینی و از سمبلهای شعر مقاومت در جهان عرب است، او دفترهای شعری فراوانی در موضوعات مقاومت دارد از جمله العهد الآتی ف مقتل القمر، البكاء بین زرقاء الیمامه و...

همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

در دهه شست میلادی، پس از شروع مقاومت مسلحانه فلسطین و جنگ 6 روزه اعراب با اسرائیل، شعر مقاومت در قالبهای جدیدی در ادبیات عرب نمودار گشت که شاعران بسیاری چون معین بسیسو، محمود درویش، عزالدین المناصره و سمیح القاسم در سرودن اشعار مقاومت شهره گشتند. که محمود درویش از بین آنها به بلوغ وصف ناپذیری فکری و هنری رسید همچنین نزار قبانی، سعدی یوسف، حسب شیخ جعفر، ممدوح عدوان، بدر شاکر السیاب، بلند الحیدری، محمد الماغوط، احمد عبد المعطی الحجازی، محمد الفیتوری و یوسف الخال مطرح گشتند، که با هنر شعری خود تجاوزات و ظلم و ستم بر فلسطینیان را به تصویر کشیدند.

ی) شعر مقاومت فلسطین:

شعر مقاومت فلسطین در سرزمین اشغالی، پر قدرت ترین مقاومت، غضبناک ترین کینه بر غلبه دشمن صهیونیستی و پابرجاترین ایمان به پیروزی به شمار می رود. چه بسا با وجود این شعر، حقیقتاً پیروزی و غلبه بر دشمن در دسترس بوده و نزدیک است که او را با بی رحمی تمام در آخرین مراحلش نگه داشته و یا باز دارد. شعر مقاومت با اصرار و پافشاری تمام در برابر تبلیغات صهیونیستی که وارد سرزمین عرب و میهن او شده و در آن گام گذاشته اند برخاسته است که هر چند در این راه ممکن است متحمل رنج ها و آزارهای فراوانی گردد. (عطیه، 1974: 45)

شعر مقاومت بعنوان یکی از قوی ترین عواملی است که نقش عمده ای را در جلوگیری از آمیختگی اعراب باقی مانده در سرزمین اشغالی با واقعیت به وجود آمده به وسیله تراژدی موجود انجام داده است. غم نامه ای که به اعتراف خود اعراب چاره ای جز ان نداشته و خود مانع اقدام هر عقل سلیم و وجدان پاکی برای جلوگیری از آن بوده است، بنابراین تا زمانی که شاعران با نیروی فنی و ذاتی خویش و با تکیه بر فن و هنرشان در سرزمین اشغالی صدای این تراژدی را به گوش دیگران برسانند، نخواهند گذاشت که تحریفی در قضیه فلسطین صورت گیرد و به بیان ساده، موضوع فلسطین نه تنها با گذشت زمان از یادها محو نشده بلکه بر گرما و شعله وری آن افزوده خواهد شد. (النقاش، 1972: 230 و 231)

در واقع میدان و جولانگاه حقیقی ادبیات مقاومت میادین روستاها و جشنواره های تند و شدید بوده و راه گسترش و بسط آن، حفظ نمودن آثار و به خاطر سپردن می باشد، و شایان توجه این است که دو نکته اساسی در این زمینه را متذکر شویم:

اول: شعر در سرزمین اشغالی برخلاف شعر تبعید بوده و گریه، تضرع، ناله، فریاد و ناامیدی صرف نیست بلکه درخشش انقلاب همیشگی و نور آمیدی است که تحسین برانگیز و شگفتی آفرین است.
دوم: شعر عرب در سرزمین اشغالی با سرعت غیرقابل وصفی با رویه های سیاسی عرب همراه شده، و کامل کننده موضوع آن و حتی می توان گفت که جزئی از آن می شود. (کنفانی، 1966 : 35)

- ویژگی های شعر مقاومت فلسطین:

- بطور خلاصه می توان ویژگی های شعر مقاومت فلسطین را در موارد زیر خلاصه نمود:
- 1- شعر ملی فلسطین خود مکتب فداکاری، ملی گرایی و ایثارگری است به طوری که شاعران برای دفاع از ملت و میهن خویش با سروده های زیبایشان در این زمینه در فداکاری ها و ایثار هم میهنان شان سهیم می شوند.
 - 2- قسمت اعظم شعر فلسطین را شعر مقاومت تشکیل می دهد؛ چرا که اینگونه شعر در میدان جنگ و نبرد متولد می شود، از این رو عمل گلوله را انجام داده و همگان را نسبت به دسیسه ها و خطرهای هوشیار می سازد.
 - 3- ادبیات و قضیه ی فلسطین اثر فراوانی در انگیزش هوشیاری ملی، فعالیت فراوان در امور جامعه عرب، دانشگاه، محافل ادبی، و آزادی ملت های عرب داشته است.
 - 4- در پیشامد ناگوار سالهای (1948 و 1968) تاثیر فراوانی را در شعر فلسطین به طور خاص و در شعر عرب به طور عام برجای گذاشته، و عواطف تمامی شاعران عرب زبان را برانگیخته است، به طوری که این دو حادثه سر منشاء الهام همایش بین المللی نو آوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

شاعران عرب گشته، سرچشمه های شعر را بر دلپایشان جاری شده، و پژواک صداهای شان در دل و جان شنوندگان تاثیر گذاشته است تا شاید علل و اسباب این دو حادثه ناگوار را بررسی نموده و راه حل قضیه ی فلسطین را از دید افکار ملی ترسیم نمایند.

- 5- حوادث و رویدادهای فلسطین و انقلاب ملی آن، راه را برای ایجاد تغییرات فنی شعر عرب به طور عام و شعر فلسطین به طور خاص از لحاظ شکل و محتوا هموار ساخت.
- 6- اغلب شعرای فلسطین، شعرای مقاومت و کارزاری مستمر بوده اند که در بسیاری از جنبش ها سهیم هستند.
- 7- شاعران فلسطین به لطف تلاشهای خویش توانستند حادثه (1948) را به تاخیر بیندازند، چرا که حوادث این رخداد بیش از این انتظار می رفت، هرچند به دلیل دسیسه های مکارانه دشمن از وقوع این حادثه نتوانستند جلوگیری کنند.
- 8- شعرای مقاومت فلسطین، شکست و تسلیم را مطرود دانسته و در برابر توطئه های دشمن تا سرحدت توان پایداری کردند.

نتیجه گیری:

شعر مقاومت تنها گواه دگرگونی محتوا و مفهوم شعر نیست بلکه نمایانگر و نمایشگر دگرگونی قالب و اسلوب نیز هست، شعر مقاومت قالبهای سنتی را دور ریخته و بدون آنکه نیروی آن را از دست دهد اسلوب های تازه ای را برگزیده است. از نقطه نظر محتوا، شعر مقاومت ابزارهای گوناگونی را به کار گرفته است که از جمله آنها عبارتند از:

الف- عشق:

عشق به سرزمین با عشق و روحیه استکبار ستیزی در هم آمیخته و این دو عشق در عشقی بزرگ خود را جلوه داده اند و به عامل بزرگ آزادی تبدیل شده است.

ب- طنز:

دشمن و کارگزارانش، به باد تمسخر گرفته می شوند و اعمال خشن آنان با نیشخندی تلخ بیان می گردد که خود نمایشگر روحیه ای زنده و تسخیرناپذیر است.

با بررسی ادبیات مقاومت در جهان و سپس در دنیای اسلام و شعر مقاومت فلسطین دریافتیم که این نوع ادبیات در بین شاعران و نویسندگان سراسر دنیا با مذاهب و گرایشهای متفاوت دینی و اعتقادی هز یک جوهره اصلی و واحد به نام ستیزه جویی و پایداری در برابر هر گونه ظلم و ستمف که در تمام اشعار و آثار این افراد موج می زند، تشکیل شده است و همین جوهره این افراد را به جهتی خاص سوق می دهد.

ادبیات مقاومت جهان اسلام با تأثیر پذیری مستقیم خود از قرآن و نهج البلاغه، مؤثرترین ادبیات مقاومت در جهان است که از آن شعر مقاومت فلسطین بوجود آمد و در حال حاضر پر بارترین ادبیات پایداری جهان به حساب می آید و فداکاری را به صورت واضح و کارآمد در بین مردمان خود ترویج داده است.

مراجع:

- 1 آینه وند، صادق، (1372)، پژوهشهایی در تاریخ و ادب، تهران: نشر اطلاعات،
- 2 الأشر، صالح، (1960) فی شعر النکبة، الطبعه الاولى، دمشق: مطبع جامعة دمشق.
- 3 ایزدپناه، عباس، (1385)، خاستگاه و سبک شناسی ادبیات مقاومت، تهران: حضور
- 4 جیزل، خوری (2001)، حوار مع محمود درویش عن السياسة، الشعر و تجربة الموت، مجلة الدراسات الفلسطينية، العدد 48
- 5 چهره قانی، رضا، (1381)، نقد و بررسی ادبیات پایداری در شعر پارسی گویان افغان، رساله ارشد زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه تربیت مدرس،
- 6 خصر، عباس، (1968) ادب المقاومة، القاهرة: دارالكتاب العربی
- 7 رجائی، نجمه، (1387)، آشنائی با نقد ادبی معاصر عرب، چاپ اول، مشهد، دانشگاه فردوسی
- 8 رشید، هارون هاشم (1965)، الشعر المقاتل فی الارض المحتلة، بیروت، المكتبة العصرية
- 9 سعد، قنديل ابراهيم، (2004)، من صدور المقارمه فی الشعر العربی القديم، الاسبوع الادبی، العدد 901
- 10 سنگری، محمد رضا (1382ش)، ادبیات پایداری، مجموعه مقالات، نخستین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
- 11 شکری، غالی (1979)، ادبیات مقاومت، بیروت: دار الآفاق الجديدة
- 12 صدری، افشار و غلامحسین، حکمی، نسرین و نسترن (1369)، فرهنگ زبان فارسی امروز، تهران: چاپ فرهنگ،
- 13 عطیه، احمد محمد (1974) أدب المعركة، بیروت: دارالجلیف
- 14 قُصی، الحسین، (1972)، الموت و الحیاة فی شعر المقاومة، بیروت: دار الرائد العربی
- 15 کاکایی، عبدالجبار (1380) بررسی تطبیق موضوعات تطبیقی در شعر ایران و جهان، چاپ اول، تهران، پالیزان
- 16 کنفانی؛ غسان (1966) ادب المقاومة فی فلسطین المحتلة، بیروت: دار الطلیعة
- 17 الکیالی، عبدالرحمن (1975) الشعر الفلسطینی فی نکبة فلسطین، ط 1، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر
- 18 گاستون، بوتول (1374) جامعه شناسی جنگ، (ترجمه: هوشنگ فر خجسته)، تهران: علمی فرهنگی
- 19 نعیمه، انطوان، مدور عصام (2001) المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: دار الشرق
- 20 النقاش، رجا (1972) ادباء المعاصرون، بغداد: دارالحرية